



مطالعات ایلات و عشایر

نشریه دانشگاه آزاد اسلامی

دوره ۱۴، شماره ۲، تابستان ۱۴۰۴



بازنگری آیین ازدواج در ایلات و طوایف کوهدشت

رحمان باقری^{۱*}، مریم باقری فرد^۲

^{۱*} استادیار جامعه‌شناسی، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام‌نور، تهران. ایران (نویسنده مسئول) r.ba94@pnu.ac.ir

^۲ کارشناس ارشد روانشناسی و کارمند دانشکده علوم پزشکی شوشتر bagheri_m@shoushtarums.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخ ارسال: ۱۴۰۴/۰۲/۰۴	ازدواج یک سنت دیرینه اجتماعی است که از زمان‌های بسیار کهن و از آغاز زندگی اجتماعی بشر مرسوم بوده است. مطالعه‌ی بازاندیشانه‌ی آیین ازدواج و مراحل آن در ایلات و طوایف کوهدشت، محور اصلی نوشتار حاضر است. این مطالعه با شیوه‌ی میدانی و با استفاده از تکنیک‌های مصاحبه، مشاهده عینی و بررسی اسناد انجام شده است. سور یا عروسی میان ایلات و طوایف کوهدشت مجموعه‌ای از سنت، عرف و قوانین کهن ایلی همراه با بینش‌های اعتقادی و دینی به‌جای مانده از روزگار است. آنچه در مراسم ازدواج این دیار قابل‌توجه است روح همکاری، همیاری و تعاون مردم در هنگام اجرای آن است. مشارکت افراد در این زمینه به تأثیرپذیری از دگرگونی‌های اجتماعی، تغییراتی را تحمل کرده ولی همچنان تداوم دارد و دارای کارکرد است. بر این اساس، انواع همیاری فیزیکی، ذهنی/مشورتی و مالی در مراحل گوناگون اجرای آیین عروسی وجود دارند. از آنجا که سهم عمده‌ای از هویت‌یابی فرد با گروه توسط قدرت نمادها و تجربیات آیینی صورت می‌گیرد؛ می‌توان نتیجه گرفت که آنان با عمل خود، احساس تعلق خویش را به فرهنگ محلی، قومی و ایلی نشان می‌دهند. مشارکت و همیاری افراد، به‌عنوان یکی از بهترین نمادهای همبستگی اجتماعی می‌تواند شکل‌گیری و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی درون-گروهی را به دنبال داشته و به‌عنوان یک منبع فرهنگی هویت‌ساز، در برساختن هویت فرهنگی و جای-گیری نسل‌های جدید نقش مهمی ایفا نماید و هم‌چون پلی آنان را به هم مرتبط سازد. ضمن آنکه فضای شاد و مفرح مراسم عروسی و برگزاری آن نقش مهمی در ایجاد سرور، فراغت و احساس شادی مردم -به عنوان یکی از پارامترهای توسعه اجتماعی- ایفا می‌کند.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸	
واژگان کلیدی آیین ازدواج عرف ایلات و طوایف حس همبستگی تعاون	

استناد: باقری، رحمان؛ مریم باقری فرد (۱۴۰۴)، بازنگری آیین ازدواج در ایلات و طوایف کوهدشت، نشریه مطالعات ایلات و عشایر، ۱۴ (۲)، صص ۸-۲۷.

© ۱۴۰۴ (۲۰۲۵) نویسندگان مقاله، مطالعات ایلات و عشایر، مجله دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر.

مقدمه و بیان مساله:

امروزه نسل جوان تشنه بازنگری به خود و بازگشت به خویشتن خویش و نگاهداشت این ارزش ها و فرهنگ می باشد هرچند معدود افرادی برای گرد آوردن سنن و فرهنگ ها گام هایی برداشته اند ولی کافی نیست و باید گسترش یابد تا بتوانند آنچه را که از پدران به آنان رسیده به فرزندان خود منتقل کنند. بنابراین ثبت و گردآوری این رسوم و فرهنگ مردم نیازمند همت والای فرهنگ دوستان به ویژه نسل جوان است.

جاذبه ی نگرش (نوشتن و پرداختن) به فرهنگ ها و سنت های دیرپای در همه زمینه های فرهنگ اقلیمی و رفتاری در روند رو به تکامل بازنگری باورها و سنت ها، بعینه ما را با پیشینه های تاریخی قرن های گذشته آشنا و مانوس می نماید (کاظمی، ۱۳۷۷: ۵۵). برخی بر این باورند که وفاداری به باورها و آیین های قومی در تضاد با همگرایی ملی قرار دارد. اما نظریه دوم بر این پایه استوار است که داشتن هویت های چندسطحی در ایران، کاملاً طبیعی است، هویت های قومی لزوماً در تقابل با هویت ملی قرار ندارند و برخی از عناصر فرهنگ قومی، می توانند در راستای همگرایی ملی بررسی گردند (حنیف، ۱۳۸۶).

مطالعات انجام شده نشان می دهد که؛ تقویت همبستگی ملی با تخریب قومیت ها امکان پذیر نیست زیرا بخشی از فرهنگ قومی می تواند در راستای تقویت همگرایی ملی عمل نماید و در نهایت اقوام را به ارجح دانستن هویت ملی بر هویت قومی خویش رهنمون سازد. مراسم ازدواج به عنوان بخشی از فرهنگ اقوام مختلف ایران از جمله این موارد می باشد.

در جریان ازدواج مراحل مختلفی وجود دارد که حضور افراد دیگر (بجز عروس و داماد) خانواده و خویشاوند را طلب می کند، این حضور در مواردی به منزله ی تعهد کمک مادی است و سهولت امر ازدواج را تضمین می کند. نگاهی اجمالی و گذرا به جریان ازدواج در گذشته ی جوامعه شهری، روستایی و عشایری ایران می تواند در بادی امر مبین کارکردی باشد که بر مبنای آن، ازدواج را جشنی تلقی می کردند که چند روزی خویشان و دوستان را گرد هم آورده و موجبات تقویت روابط اجتماعی را فراهم می کرده است.

شناخت فولکلور هر منطقه ای به عنوان بخشی از میراث و سنت های فرهنگی - مستلزم تحقیقات و پژوهش های بسیاری است. فولکلور و فرهنگ عشایر لرستان دارای بستر مناسبی برای انجام تحقیقات متعدد است اما آنچه نگارنده را به تحقیق واداشت این است که اصولاً مراسم ازدواج در ایلات و طوایف کوهدشت به چه نحوی صورت می گیرد و مراحل اجرای آن چگونه است؟ مهمترین کارکرد/ کارکردهای آیین ازدواج کدام اند؟

اهمیت و ضرورت تحقیق

تحولات جهانی نشان می دهد که اداره ی کشورها با اتکای به اقتدار نظامی و شیوه های غیردموکراتیک روز به روز دشوارتر می شود. افکار عمومی و گفتمان فرهنگی جهان بیش از پیش به سوی پذیرش اصل تنوع و تکرر فرهنگ قومی و فرهنگی پیش می روند (سینایی و ابراهیم آبادی، ۱۳۸۴).

توجه به مراسم و آداب و رسوم اقوام ایرانی از سوی رسانه ها یا از سوی دیگر اقوام، سبب می شود که

اقوام و خرده فرهنگ‌ها، احساس تعلق بیشتری نسبت به فرهنگ عمومی بنمایند. زیرا وقتی از سوی متولیان فرهنگ کشور به عناصر فرهنگی خاص ایشان، توجه می‌شود احساس همگرایی ملی در آنان تقویت می‌گردد و اقوام مورد نظر نسبت به شاخصه‌های فرهنگ عمومی با دید مثبت‌تری می‌نگرند. اتحاد و هبستگی، از متعالی‌ترین دستاوردهایی است که به واسطه هویت مشترک تحقق پیدا می‌کند زیرا هویت مشترک در حوزه‌های فرهنگی از جمله محورهایی است که به عنوان عوامل زیربنایی و بنیادی، افراد و اعضای تابع خود را به یکدیگر پیوند می‌زند. فرهنگ مردم ایران به رغم تنوع فرهنگی و دارا بودن خرده فرهنگ‌های متفاوت، همچون درختی تناور که دارای شاخ و برگ‌های بسیاری است از یگانگی و اتحاد ویژه‌ای برخوردار است. تلاش در جهت دستیابی به جایگاه میراث و سنت‌های فرهنگی، بازیابی این جایگاه بخصوص در بخش تحقیقاتی از اهمیت فوق العاده‌ای برخوردار است و می‌تواند نقش مهمی در جلوگیری از تهاجمات فرهنگی داشته باشد.

بی‌گمان ارزش علمی پرداختن به فولکلور در ایلات و عشایر لرستان با پژوهش‌ها و تحقیقات گسترده و همه‌جانبه مردم‌شناسی این دیار برابری می‌کند ارزش‌ها نهفته در این آیین‌ها و بازشناسی کلیه آداب و رسوم آن می‌تواند از منابع عمده مطالعاتی برای تمام رشته‌های مرتبط با آن (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی، تاریخ و...) به‌شمار آید. تدوین نوشتار حاضر به خاطر آشنایی بیشتر دانش‌پژوهان فرهنگ‌دوست با گوشه‌هایی از فرهنگ دیار کهن لرستان و در راستای موارد مطرح‌شده در بالا، می‌باشد.

مبانی و ملاحظات مفهومی و نظری

مناسک عروسی و ازدواج یک رابطه زیست‌شناختی را به رابطه انسانی و اجتماعی متفاوت از بقیه موجودات زنده تبدیل می‌کند. به همین دلیل مساله ازدواج علاوه بر جنبه زیست‌شناختی، جنبه اجتماعی و فرهنگی نیز دارد. با توجه به جنبه‌های اجتماعی‌ای که آیین ازدواج به دنبال دارد، در تحلیل آن از نظریه «کارکردگرایی ساختاری» و مبحث «فرهنگ عامه» استفاده شده است. در این راستا، ابتدا به تعریف برخی مفاهیم مرتبط پرداخته می‌شود.

الف) تعریف مفاهیم

در تعریف ازدواج دیدگاه‌های مختلفی مطرح شده است، عناصر اصلی مورد توافق تعاریف ازدواج عبارتند از: امکان برقراری روابط جنسی بین زوجین (برقراری رابطه جنسی بین دو جنس مخالف)؛ اینکه ازدواج مستلزم تصویب جامعه است؛ و به این ترتیب ازدواج همراه با تشریفات است موافق با عرف و یا قانون جامعه. اگر عرف یا رسم را همان قواعد یا مقررات نانوشته اجتماعی بدانیم و قانون را هنجاری که جامعه (مجاری قانون‌گذاری) آگاهانه وضع می‌کند و (غالباً) متأثر از عرف می‌باشد، لذا جامعه برای برآوردن یک نیاز غریزی هنجارهایی (رفتارهایی) را مطرح کرده است.

از نظر گیدنز^۱، ازدواج، پیوند جنسی به رسمیت شناخته‌شده از نظر اجتماعی و پسندیده بین دو فرد بزرگسال است (گیدنز، ۱۳۷۷: ۱۸۵). ساروخانی نیز ازدواج را فرایندی از کنش متقابل بین دو فرد، یک مرد و یک زن میداند که برخی شرایط قانونی را تحقق بخشیده‌اند و مراسمی برای برگزاری زناشویی خود برپا داشته‌اند و به طور کلی عمل آنان مورد مورد

^۱ . Anthony Giddens

پذیرش قانون قرار گرفته و به آن ازدواج اطلاق شده است (ساروخانی، ۱۳۸۵: ۲۳). از مجموع تعاریف چنین برداشت می‌شود که مصلحت فرد و اجتماع در این است که زنان و مردان پیمان زناشویی ببندند و تشکیل خانواده بدهند.

آیین‌ها^۱: مجموعه اعمالی هستند که برای برآوردن بخشی از نیازها انجام می‌شوند. عمده‌ترین کارکرد آیین‌ها افزایش همبستگی و انسجام اجتماعی است.

آداب و رسوم ازدواج: منظور آداب و مراسمی است که همراه ازدواج هستند، حتی در جوامع اولیه نیز ازدواج یک دختر و پسر دور از چشم جامعه و بدون مراسم صورت نمی‌گرفت. این آداب و رسوم علاوه بر آنکه موجبات تدوام زناشویی را فراهم می‌کنند عامل وحدت نیز محسوب می‌شوند (پیراهری، ۱۳۸۷).

خرده‌فرهنگ^۲: فرهنگ هر جامعه، در عین حال که زمینه‌های عمومی و مشترک با دیگر جوامع دارد ولی خصوصیات، پیچیدگی‌ها و سادگی‌های فرهنگی در هر جامعه اختصاص به آن جامعه دارد. این خصوصیات در «فرهنگ خاص هر جامعه» نیز برای همه‌ی اعضای آن جامعه مفهوم و ارزش مشابه و مشترک ندارند. این تفاوت‌ها و ویژگی‌های داخلی هر فرهنگ را «خرده فرهنگ» یا جوانه‌ها و شاخ و برگ های تنه‌ی اصلی فرهنگ جامعه می‌نامند (روح‌الامینی، ۱۳۸۴: ۳۱).

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مفاهیم نرم علوم اجتماعی که قدرت عمل کردن را تسهیل می‌نماید و مقوم نظم و امنیت اجتماعی است، دلالت بر انتظارات و تعهدات اکتسابی و تأییدشده به لحاظ اجتماعی دارد، که افراد نسبت به یکدیگر

نهادهای اجتماعی دارند. این مفهوم در اندیشه صاحب‌نظران مبحث سرمایه اجتماعی به عنوان مهمترین معرف و شاخصه‌ی این سرمایه مورد توجه قرار گرفته است (ازکیا و فیروزآبادی، ۱۳۸۳). وجود آن در جامعه در حکم قوه‌ای توانمند برای تشکیل و بسط روابط ثانوی است که به فضای عمومی طراوت و بالندگی ویژه‌ای می‌بخشد و جانمایی‌ی موثری برای منش‌های جمعی چون تعاون و مشارکت اجتماعی است. البته این تأثیربخشی صورتی یکجانبه ندارد بلکه حالتی چندجانبه و متعامل دارد و نوعی رابطه‌ی تعاملی بین دو متغیر اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی وجود دارد که هر یک مقوم دیگری است و برآیند این رابطه‌ی متعامل، گسترش فضای عمومی است که با تنوع مشارکت‌های جمعی و همیاری‌ها شناخته می‌شود.

ب) فرهنگ عامه

فرهنگ یا تمدن با مفهوم گسترده‌ای که در قوم‌نگاری دارد مجموعه‌ای پیچیده شامل؛ دانشها، باورها، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و دیگر عادات و توانایی‌هایی است که انسان به عنوان عضوی از جامعه آن را داراست، می‌باشد. وضع فرهنگی در جوامع بشری تا آنجا که بتوان بر مبنای اصول کلی درباره‌ی آن پژوهش کرد موضوعی مناسب برای مطالعه قوانین اندیشه و عمل انسان است (روزنبرگ^۳، ۱۳۷۸: ۴۴). گی‌روشه^۴ فرهنگ را عبارت می‌داند از مجموعه به‌هم پیوسته‌ای از اندیشه‌ها و احساسات و اعمال کم و بیش صریح که توسط اکثریت افراد یک گروه پذیرفته شده است و برای اینکه این افراد گروه‌های معین و مشخص را تشکیل

^۳ . Rosenberg

^۴ . Guy Rocher

^۱ . Rituals

^۲ . Subcultur

زندگی نامیده است) و آداب و خوراک و پوشاک در جشن‌ها و نیز آوازاها و قصه‌ها ... (همان منبع: ۸۱). وارنیاک^۳ نیز سه خصوصیت را برای فولکلور نه بر اساس خصوصیات عامیانه‌اش و نه بر مبنای ویژگی‌های سنتی‌اش بر می‌شمارد:

۱. فولکلور میراث مدنیت گذشته است.
۲. دارای هیچ گونه روش علمی و استدلال منطقی نیست و در مجامع رسمی جایی ندارد.
۳. با وجود تغییرات و تحولات اجتماعی دست نخورده در کنار ارزشها و پدیده‌های جدید جامعه قرار می‌گیرد (همان، ۸۱).

بر مبنای تعاریف و تعابیر، روشن است که نمی‌توان فرهنگ و فولکلور را مترادف یا معادل یکدیگر دانست بلکه باید گفت که فولکلور جزئی از مجموعه ی اعمال و رفتار فرهنگی جامعه است (همان منبع: ۸۲). بدین ترتیب فولکلور عبارت از همه جنبه‌های عامیانه‌ی زندگی است و از آنجا که هنوز در جهان جوامعی را که تمام رفتار و اعمال افرادش منطقی و بر اساس موازین علمی باشد سراغ نداریم بنابراین جامعه‌ای را نیز نمی‌شناسیم که دارای فولکلور نباشد (روح الامینی، ۱۳۷۵: ۲۷۱).

در جامعه ایران نیز در زمینه فولکلور مطالعات زیادی صورت گرفته است در این چند سال اخیر کوشش‌هایی در جهت جمع‌آوری ادبیات شفاهی، قصه‌ها، افسانه‌ها، آوازهای محلی، تولد، ازدواج، مرگ و میر ضرب‌المثل‌ها و نیز آداب و رسوم و باورها و معتقدات عامیانه و.... صورت گرفته است که به نظر می‌رسد به علت وسعت دامنه فولکلور هنوز مطالعه و تحقیقات بیشتری را می‌طلبد.

دهند لازم است که آن مجموعه به هم پیوسته به نحوی در عین حال عینی و نمادین مراعات گردد (روح‌الامینی، ۱۳۶۸: ۱۸).

هرسکویتس^۱ نیز سه ویژگی را برای فرهنگ بر می‌شمارد: ۱) فرهنگ «عام» ولی «خاص» است ۲) فرهنگ «متغیر» ولی «ثابت» است و ۳) پذیرش فرهنگ «اجباری» ولی «اختیاری» است (همان: ۱۹).

سنن و آداب و رسوم را که در شمار دانش عامیانه (فولکلور) نیز آوردند بایستی دارای سه ویژگی باشد:

الف: رواج و اجرای آن در یک جامعه عمومیت داشته باشد.

ب: اجرای آن در جامعه تداوم داشته باشد و حداقل از یک نسل به ارث رسیده باشد.

ج: افراد به طور خود به خودی و به صورت عادی و بدون اینکه مجبور باشند به آن عمل نمایند (همان، ۴۰).

ریشه و وابستگی‌های سنن قومی هر قدر هم جزئی و به اصطلاح کم اهمیت باشد در مجموع و در ارتباط با یک پدیده فرهنگی مشخص است که خصوصیات و یا تمایز فرهنگ یک جامعه را از جامعه دیگر مقدور می‌سازد و تصویر «هویت فرهنگی» به یک جامعه را رنگ می‌بخشد (همان منبع: ۴۰).

وانژنپ^۲ در تعریف، فولکلور را عبارت از باورها و اعمال فرهنگی گروهی می‌داند که با موازین علمی و منطقی جامعه انطباق ندارد و اجرای آن بر حسب عادت و تقلید و هم‌چشمی و سرگرمی صورت می‌گیرد مانند مراسم و باورهای پیرامون تولد، ازدواج، مرگ و میر (که وی آنها را مراسم گذرگاه‌های مراحل

^۳. Varniak

^۱. Herskovits

^۲. Wanzhenp

ج) نظریه کارکردگرایی ساختاری^۱

یکی از نظریه‌های مهمی که می‌توان در تحلیل ساختاری ازدواج از آن استفاده نمود نظریه نظام اجتماعی پارسونز^۲ است. هرچند در چارچوب کارکردگرایی ساختاری صریحاً به این وجه اشاره نشده است؛ ولی می‌توان با توجه به اختلال یا عدم تعادل در بین خرده‌نظام‌های پارسونز مورد بررسی قرار داد. در مدل پارسونز، چهار خرده‌نظام فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نظام‌یافته است که در ارتباط با یکدیگر هستند و به ترتیب عهده‌دار کارکرد انطباق با شرایط محیطی، نیل به اهداف، حفظ و تداوم الگوها و ایجاد یگانگی و انسجام اجتماعی هستند (صدیق، ۱۳۷۴: ۳۹). یکی از اصول مهم این نظریه، اصل کارکرد می‌باشد. در این راستا هر پدیده‌ای در ارتباط با اجزای دیگر جامعه است و دارای نوعی کارکرد است که به حفظ کل نظام کمک می‌نماید. این کارکردها هرکدام نیاز یا نیازهایی را برآورده می‌نمایند، بنابراین می‌توان جهت تبیین مراسم ازدواج در جامعه ایران از این نظریه سود جست. بر اساس نظریه پارسونز هر جامعه‌ای برای آنکه بتواند در عملکرد خود به عنوان یک نظام توفیق یابد و به عبارتی تداوم و استمرار یابد، باید موارد ذکر شده و از جمله نیازهای مشترک بشری را ساماندهی نماید.

۱) انطباق و سازگاری با محیط و شرایط متغیر و جدید که به وسیله‌ی فعالیت نهادهای خرده‌نظام اقتصادی اجرا می‌شود.

۲) دومین کارویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسونز، دستیابی به اهداف یا هدف‌جویی است. افراد جامعه به دنبال هدف‌هایی هستند که یک نظام اجتماعی باید

از طریق خرده‌نظام سیاسی خویش آنها را مشخص کند و افراد جامعه را به سمت دستیابی به آنها هدایت نماید. این اتفاق زمانی رخ می‌دهد که جامعه براساس اصل اول جامعه‌شناسی یعنی اصل اهداف و راه‌ها بتواند اهداف مشترک فرهنگی جامعه و راه‌های وصول به آنها را مشخص نماید تا جامعه در حالتی متعادل و منسجم حفظ شود و تداوم یابد (تنهایی، ۱۳۸۲: ۷۱).

رابرت کی مرتون^۳ معتقد است که بی‌سامانی و ناهنجاری در ساخت اجتماعی زمانی رخ می‌دهد که هماهنگی میان راه‌ها و اهداف از بین برود و چنانچه این هماهنگی حاصل نشود، جامعه ناسالم خواهد بود. براساس تئوری «سنخ‌های ایده‌ال» ماکس وبر، ازدواج به عنوان یک هدف ارزشی، عاطفی و یا سنتی در جامعه امروز ایران مطرح می‌شود اما راه‌ها و امکانات رسیدن به آن کاملاً عقلایی و بر اساس شرایط متغیر و مصرف‌گرایانه نظام سرمایه‌داری در جهان امروز استوار شده است، به‌طوری که نسل جوان امروز ایران در رابطه با ازدواج در میان ارزش‌های معنوی و انتظارات مادی تعیین شده توسط جامعه قرار گرفته است.

یکی از هدف‌های مشخص‌شده در جامعه، تشکیل خانواده و ازدواج است که در اهداف خود کارکردهای آشکار و پنهان فراوانی را نهفته دارد و این جامعه است که در راه نظم اجتماعی وسایل و راه‌های رسیدن به این هدف معنوی را در اختیار اعضای خود و نیروی جوان جامعه قرار دهد. چنانچه افراد جامعه هنگام رسیدن به سن ازدواج با مشکلات ناشی از عدم هماهنگی بین راه‌ها و اهداف مانند برنامه‌ریزی‌های ضعیف آموزشی و مدیریت ناتوان در بخش اشتغال روبرو شوند، از تشکیل خانواده باز خواهند ماند و این

^۱ Structural functionalism theory^۲ Parsons^۳ Robert K. Merton

معرفی میدان مطالعه

شهرستان کوهدشت بین ۴۷ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی از نصف‌النهار گرینویچ و ۳۳ درجه و ۳۲ دقیقه عرض شمالی از خط استوا، در غرب استان لرستان قرار دارد این منطقه از غرب و جنوب غربی به شهرستان اسلام‌آباد، از شرق و جنوب شرقی به ترتیب به شهرستان‌های خرم‌آباد و پلدختر و از شمال مرز مشترکی با دلفان دارد. این شهرستان ۳۹۰۴ کیلومتر مربع مساحت دارد که معادل ۱۴ درصد مساحت استان را در بر می‌گیرد. شهرستان کوهدشت شامل ۴ بخش و ۸ دهستان است و مرکز شهرستان، شهر کوهدشت است (طرح جامع شهرستان کوهدشت، ۱۳۸۴: ۶۰).

شهرستان مذکور دارای آب و هوای کوهستانی است. متوسط بارندگی در سال حدود ۴۰۰ میلی‌متر است. دما هوا در زمستان مخصوصاً در دی‌ماه به کمتر از صفر درجه کاهش می‌یابد. همچنین دمای هوا در تابستان مخصوصاً در مردادماه تا ۴۵ درجه بالای صفر افزایش می‌یابد (ایستگاه باران‌سنجی تنگ سیاب).

بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ جمعیت شهرستان کوهدشت ۱۶۶۶۵۸ نفر بوده که از این تعداد ۱۰۲۲۸۵ نفر در مناطق شهری و ۶۴۳۷۳ نفر در مناطق روستایی و عشایری ساکن‌اند (سالنامه آماری لرستان، ۱۴۰۰: ۸۷).

تمام مردم شهرستان کوهدشت پیرو دین اسلام و مذهب شیعه می‌باشند. ساکنان این شهرستان از نظر زبانی برای برقراری ارتباط بین خود در درجه اول از زبان‌های محلی که شامل دو زبان لکی و لری است استفاده می‌کنند و برای ارتباط با دیگران در سایر نقاط به زبان رایج کشور یعنی فارسی تلکم می‌نمایند. طوایف و تیره‌های ساکن شهرستان به شرح زیر است:

امر، جامعه را دچار بحران و نابسامانی (آناتومی) می‌سازد.

۳) سومین کارویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسونز، ایجاد همبستگی و انسجام اجتماعی است. هر جامعه‌ای به موجب نظام حقوقی خود باید روابط اجزای درونی خود را براساس هنجارها و قراردادهای نهادینه شده به نظم در آورد که خدشه‌شدن آنها موجب اختلال در انسجام اجتماعی خواهد بود.

۴) و سرانجام، آخرین کارویژه یک نظام اجتماعی از نظر پارسونز، حفظ الگو و بقا است. یک نظام اجتماعی بایستی خود را براساس نظام ارزش‌های فرهنگی فراگیر (مذهب و خانواده) که توافق و اجماع عمومی بر پایه آن استوار شده است، نگاه دارد و الگوهای فرهنگی را همراه با انگیزه‌های افراد احیاء نموده، تا انگیزه‌ها حفظ شود. در این زمینه باید گفت که، هرگاه پایه‌های خانواده سست گردد، انگیزه‌ها و الگوهای فرهنگی دیگر توان حفظ الگوها و هنجارسازی و نهادینه نمودن آنها را در جریان جامعه پذیری نخواهد داشت و انسجام و بقای جامعه با بحران روبرو می‌گردد.

روش تحقیق

نوشتار حاضر با استفاده از روش میدانی و کتابخانه‌ای انجام شده است. برای گردآوری بخش مهمی از اطلاعات به منابع کتابخانه‌ای مراجعه شد. همچنین، مصاحبه حضوری پرسش‌های باز و به صورت غیررسمی با تنی چند از افراد معمر و سرشناس و آگاهان محلی و نیز مشاهدات عینی و تجربه زیسته نگارنده در منطقه، تأثیر بسزایی در جمع‌آوری داده‌های مورد نیاز داشته است.

۱. آدینه‌وند؛ که شامل شعب ولیوک، یاریوک و بی‌یر می‌باشد.
۲. امرایی؛ که شامل شعب بازوند، سهرابوند، رومیانی، آخه‌جون، پایروند، نظرعلیوند و رشنو می‌باشد.
۳. گراوند؛ که شامل شعب حسکه، علی‌یار، مهرباب، نویره، قهرهنمه (qahra Nomah) می‌باشد.
۴. کوشکی؛ که شامل شعب تات‌موند، شهرمیر، میرآخر، برجلی‌وند و شلووند است.
۵. سوری؛ که شامل شعب خدانظر، خاصی، عبدالولی و قرعلیوند می‌باشد.
۶. آزادبخت؛ که شامل شعب کره‌پا (Korraba)، ممیوند (Mamivand) و هلل (Holal) است (امان‌اللهی، ۱۳۷۴: ۱۵۸).

ازدواج و شکل‌های آن

خانواده به عنوان یکی از مهمترین و قدیمترین نهادهای بشری، همواره مورد توجه بزرگان و اندیشمندان جامعه بوده است سلامت یک جامعه به هسته اولیه تشکیل آن یعنی خانواده بر می‌گردد. ازدواج که در مقدمه تشکیل خانواده و بنیان اولیه محسوب می‌شود از اهمیت بالایی برخوردار است و زندگی نسل‌های متوالی به آن بستگی دارد. ازدواج نزد ایرانیان مقدس و مهم بوده است به‌طوری که در متون باستانی هم روایات زیادی در اهمیت آن به چشم می‌خورد. بسیاری از آداب و رسوم ازدواج که در متن شاهنامه فردوسی گنجانده شده‌اند هنوز هم بین مردم جاری و ساری است نظیر مراسم خواستگاری، گرفتن اجازه از پدر و بزرگان برای جاری شدن صیغه عقد، حضور شاهدان مراسم عقد، بردن جهیزیه به خانه

بخت، دیدن و تعیین ساعت و روز نیک برای رفتن به خواستگاری و جاری کردن صیغه عقد (ابوالمعالی الحسینی، ۱۳۸۷).

به هر حال ازدواج تحت تاثیر عوامل اجتماعی و... قرار می‌گیرد از این‌روست که در جوامع گوناگون آداب و رسوم مختلفی در این باره وجود دارد. در نقاط مختلف لرستان نیز آیین‌های عروسی و سور به شیوه‌های خاص برگزار می‌شود و این مراسم در استان گرچه دارای نقاط مشترک فراوانی است ولی هر منطقه آیین ویژه خود را داراست که متأثر از خصوصیات فرهنگی، جغرافیایی، قومی - طایفه ای و... هر منطقه است شهرستان کوهدشت از این قاعده مستثنی نیست و هنوز تا حدودی بسیاری از آداب و رسوم و سنن مربوط به ازدواج را حفظ کرده است.

از دیرباز واژه‌ی سور در این دیار تداعی‌گر عروسی و شادی بوده است و بی‌اختیار هر کس را به یاد مراسم باشکوه عروسی می‌اندازد. در ایلات و طوایف کوهدشت موقعی که چند برادر به سن ازدواج می‌رسند شرایط اقتصادی چنین ایجاب می‌کند که آنها به نوبت و بر اساس سن ازدواج کنند تا وقتی برادرهای بزرگتر ازدواج نکرده‌اند صحیح نیست که خانواده هزینه‌ها و زمینه‌ها را برای ازدواج پسر کوچک تر فراهم نمایند البته این امر یک قانون تغییرناپذیر نیست بلکه به هر دلیلی اگر برادر بزرگ‌تر دیر ازدواج کند برادر کوچک‌تر اقدام به ازدواج می‌نماید.

تا دو سه دهه‌ی اخیر در ایلات و عشایر کوهدشت ازدواج بین پسرهای بیش از ۲۰ ساله با دخترهای ۹ تا ۱۲ ساله بسیار متداول بوده است و نیز مواردی وجود داشته است که پیرمردها با دخترهایی در سن ۹ تا ۱۲ سال ازدواج می‌کرده‌اند متأسفانه این

نوع ازدواج‌ها نتایج تأسف‌باری را بوجود می‌آورد و باعث شد تا آن‌را ممنوع کنند هر چند الان تا حدودی بعضی اوقات این نوع ازدواج‌ها بیشتر در خانواده‌های فقیر و سطح پایین صورت می‌گیرد.

از دیگر مواردی که قبلاً در کوه‌دشت و کل استان زیاد بوده مسئله «ناف‌برون» (nafberun) بود که به‌ویژه در بین خانواده‌های فامیل صورت می‌گرفت به این معنی که هنگامی که در خانواده‌ای دختری به دنیا می‌آمد خانواده دیگری که قصد پیوند با صاحب نوزاد دختر داشتند ناف او را بریده و دیگر صاحب نوزاد دختر حق ندارد او را شوهر بدهد تا به سن ازدواج برسد و او را به پسر خانواده‌ای که ناف‌برش نموده‌اند می‌دهند و در خلال سال‌های رشدش خانواده پسر موظفند که هدایایی از قبیل لباس و طلا را به دختر بدهند هر چند الان ناف‌بری در کوه‌دشت کم شده است و خانواده‌ها از انجام آن خودداری می‌کنند ولی باز همین رسم بخصوص در مناطق روستایی و عشایری دختران و پسران را قربانی ازدواج ناخواسته‌ای می‌نماید. زیرا دو نفر برای هم ناف‌بر شده‌اند. دختر و پسر خود را موظف به رعایت سنت‌های خانوادگی می‌دانند زیرا رعایت نکردن این سنت‌ها ممکن است منجر به کشمکش و درگیری‌ها و کدورت‌های خانوادگی شود.

بر اساس داده‌های به‌دست آمده، نوع دیگری از ازدواج در ایلات و طوایف منطقه وجود داشته که کمتر به خاطر عشق و علاقه بوده بلکه انگیزه‌های دیگری دارد و یکسری شرایط خاص موجب آن می‌شده از جمله این نوع، ازدواج «خون‌بها» است به این معنی که اگر بین دو طایفه یا دودمان نزاعی اتفاق بیافتد و به مرگ یکی از دو طرف

بیانجامد اگر قاتل مشخص باشد با پادرمیانی ریش سفیدان طایفه دیگری برای آشتی دادن دو طرف دعوا و از میان برداشتن دشمنی ضمن پرداختن خون بهای مقتول برای دوام صلح و دوستی، از خانواده قاتل دختری به عقد نزدیک‌ترین مرد به مقتول یعنی برادر یا پسر او در می‌آورند این ازدواج نوعی خون‌بهاست از همین جاست که گاهی زنان در مشاجره‌های خانوادگی به شوهر یا افراد خانواده‌اش می‌گویند: «مگر در عوض خون مرا گرفتی» و این ازدواج‌ها موجب برقراری صلح و دوستی می‌گردند. مصالحه بین خانواده مقتول و قاتل را «خین‌صل» یا «خون صلح» (xoincol) می‌نامند که نشانه‌ای از نقش زن در تبدیل دشمنی‌ها و دوستی‌هاست. ناگفته نماند اکنون این رسم تقریباً از بین رفته است (ایزدینا، ۱۳۶۷: ۳۷).

نوعی دیگر از ازدواج به این صورت است که اگر مردی همسرش بمیرد چنانچه همسرش خواهر داشته باشد خواهرزنش را به همسری می‌گیرد در این نوع ازدواج هم‌سن و سالی برای طرفین مهم نیست هرچند که الان خانواده دختر کمتر این کار را می‌کنند. نمونه‌ای از همین نوع ازدواج در روستای نگارنده این تحقیق اتفاق افتاد و به این صورت که پس از فوت همسر که به علل نامشخص خودسوزی کرده بود همین مرد با خواهر همسر خود ازدواج کرد که متأسفانه سرانجامی جز جدایی و طلاق نداشت.

بر اساس اطلاعات به‌دست آمده از میدان مطالعه، نوعی دیگر از ازدواج به این صورت است که اگر مردی بمیرد و زن بیوه‌ای از خود باقی بگذارد معمول است که یکی از برادرهای متوفی با این زن ازدواج می‌کند هر چند که پیش از این، بعضی وقت‌ها زن بیوه با برادر شوهرش که از خود کوچک‌تر یا

متاهل بوده ازدواج می‌کرده و این نوع ازدواج الان هم به نحوی رایج است ولی زن بیوه بیشتر با برادر شوهر مجردش ازدواج می‌کند. هدف از این ازدواج‌ها، عاطفی (سرپناهی برای بچه‌های خواهر و برادر) و یا اقتصادی (جلوگیری از حیف و میل شدن زندگی و ... خواهر یا برادر.

یکی دیگر از انواع ازدواج در ایلات و عشایر منطقه، از ازدواج «دت ار دت»^۱ «det ar det» است. گاهی دو خانواده هم‌تراز و هم‌شأن و مقام در دو خانواده یا طایفه دختران خود را به عقد ازدواج پسران همدیگر در می‌آورند این کار بدلیل گسترش فامیلی و کسب نیروی انسانی بیشتر یا رفع کدورت‌ها و اختلاف‌های دو خانواده یا دو طایفه انجام می‌گیرد به این رسم در لرستان و کوهدشت «دت ار دت» (دختر در مقابل دختر) می‌گویند (همان منبع: ۳۹).

مراحل ازدواج

در ایلات و طوایف کوهدشت ازدواج و آیین های آن مراحل دارند که به ترتیب به آنها پرداخته می‌شود؛

۱. خواستگاری (کیخای koixai)
۲. نامزدی (دسگیرونی dasgiruni)
۳. دعوت کردن (زماچرون zomacerun)
۴. عقد (نکاح کرونی nkahkaruni)
۵. بله برون (خرج‌ابرون xarjabrun)
۶. حنابندون (حناونون hanavanun)
۷. عروسی (سور sur)
۸. باوان بوی (bauanbovi).

خواستگاری (کیخای)

در منطقه مورد مطالعه، شیوهی خواستگاری تا تقریباً ۴۰ سال پیش به‌صورتی کاملاً متفاوت با زمان کنونی صورت می‌گرفت و به اینگونه بود که تصمیم به ازدواج دو نفر با هم به‌طور مطلق توسط پدر و مادرها انجام می‌گرفت و بعضی از عروس و دامادها تا شب عروسی حتی رنگ و روی همدیگر را ندیده بودند و همه‌ی کارهای مربوط به ازدواج و عروسی آنان را پدر و مادرها و خویشاوندان نزدیک انجام می‌دادند البته مواردی هم که ازدواج با توافق پسر و دختر انجام می‌گرفت پسر و دختر تا روز بعد از عروسی آشنایی چندانی با هم پیدا نمی‌کردند که این بر طبق رسم و رسوم آن زمان بوده است.

امروزه، این شیوه تا حد زیادی تغییر کرده و به این صورت است که زمانی پسری به سن ازدواج می‌رسد و درصدد ازدواج و تشکیل خانواده بر می‌آید هنگامی که خانواده از لحاظ شرایط مالی و اقتصادی آمادگی پیدا کرد به جستجوی همسر مناسب برای پسرشان می‌پردازند. به هر حال پس از یافتن دختر مناسب که اکنون بیشتر به پیشنهاد خود پسر می‌باشد و گاهی نیز به پیشنهاد خانواده و توافق بر سر آن، موضوع خواستگاری مطرح می‌شود جهت آگاه شدن از نظرات خانواده مقابل (خانواده دختر) از طرف خانواده پسر تماس‌هایی (معمولاً از طرق خویشاوند درجه یک دختر) با پدر و مادر و خود دختر می‌گیرند و اگر چنانچه والدین دختر با این پیوند موافق باشند تمایل خود را به این امر نشان می‌دهند. گفتنی است این کارهای اولیه به صورت محرمانه انجام می‌شود و علت آن این است که اگر پیوند انجام نگیرد و پدر دختر از دادن دختر امتناع کرد موجب سرشکستگی داماد و خانواده‌اش نشود.

^۱. در زبان لکی، «دت» به معنی دختر است.

دختر برای کسب اجازه و تکلیف و نیز راهنمایی بیشتر موضوع خواستگاری را نزد اقوام نزدیک (معمولاً دایی‌ها، عموها و پدربزرگ‌ها) مطرح می‌کنند و نیز نظر آنها را جویا می‌شوند البته این امر بیشتر جنبه احترام‌آمیزی نسبت به بزرگ‌ترهای فامیل دارد و حتی گاهی این کار را نمی‌کنند در هر صورت نظر پدر و مادر عروس بر همه ارجحیت دارد.

نامزدی (دسگیرونی، دیاری)

بعد از خواستگاری رسمی، جواب قطعی خانواده عروس و انجام یکسری تشریفات، زمانی را برای نامزدی مشخص می‌کنند که معمولاً روزهای فرد و مخصوصاً سه‌شنبه‌ها می‌باشد. در دسگیرونی خانواده داماد بعضی اقوام بسیار نزدیک همچون عمو و دایی و خاله و عمه‌ها همراه با یکسری رخت و تن‌پوش زنانه و چادر سفید جهت نامزدی راهی خانه عروس می‌شوند و مادر داماد حلقه نامزدی (کلکونه kelkuona) را به نشانه‌ی نامزدی در دست دختر می‌کند خانواده عروس هم در این روز اقوام نزدیک خود را دعوت می‌کنند. این مراسم را گاهی اوقات خانواده‌ها در همان روز خواستگاری انجام می‌دهند که البته بهتر است به خاطر احترام بیشتر به خانواده عروس در همان روز خواستگاری انجام نگیرد.

دعوت کردن (زُماچرون)

زماچرون یعنی داماد را دعوت کردن، در زبان لکی زُما یعنی داماد و چرون به معنی دعوت کردن است. یک شب پس از مراسم نامزدی یا دسگیرونی از طرف خانواده عروس از داماد دعوت می‌شود که در گویش لکی به آن زماچرون می‌گویند. برادر بزرگ عروس برای دعوت داماد به خانه‌ی آنها می‌رود و وی

پس از طی این مقدمات اولیه پدر عروس جواب قطعی را به اطلاع خانواده پسر می‌رساند در صورت مثبت بودن جواب دو خانواده روزی را به عنوان خواستگاری رسمی تعیین می‌کنند البته یکی از رسوم که قبلاً در کوه‌دشت پیش از خواستگاری مرسوم بوده سرجه بوده (seraja) که به منظور شناسایی، شناختن است و این در مواردی است که خانواده پسر، دختر و خانواده او را نمی‌شناسند بنابراین یک یا دو زن بزرگ و کارداران را بدون اینکه خانواده دختر به آن پی ببرند را برای بررسی و ارزیابی دختر و خانواده‌اش می‌فرستند معمولاً زنان با زیرکی و کنجکاوی خاصی از راه مشاهده حالات و رفتار و حرکات و کارهای دختر و پرسش از او، اطلاعات لازم را در این زمینه به دست می‌آورند. سپس نظر خود را درباره‌ی خانواده دختر و خانواده پسر گزارش می‌دهند. لازم به ذکر است که این رسم مربوط به گذشته بوده و اکنون کمرنگ شده است.

در روز خواستگاری خانواده داماد به خانه عروس می‌روند بزرگ خانواده داماد به عنوان نماینده از طرف آنان حرف می‌زند و موضوع خواستگاری را مطرح می‌نماید و به شرح شرایط داماد می‌پردازد و شرایط خانواده عروس را جویا می‌شود در نهایت با خانواده عروس به توافق می‌رسند البته امروزه علاوه بر جلب رضایت والدین عروس موافقت وی نیز لازم است در گذشته پدر و اقوام او برای دختر تصمیم می‌گرفتند و دختر هم حتی در صورت مخالفت تابع و تسلیم تصمیمات نهایی می‌گردید. اکنون برخلاف گذشته دختران در انتخاب همسر اظهار نظر می‌کنند ولی با این حال هنوز دختران موقع ازدواج مطیع تصمیم پدر و برادران خود هستند در عین حال والدین

را به خانه خودشان دعوت می‌کند. پس از صرف شام داماد مبلغی پول -معمولاً بین ۱۰۰ الی ۲۰۰ هزار تومان^۱- را روی سفره می‌گذارد پدر یا سرپرست دختر هم مقدار کمی از این پول را به داماد پس می‌دهد که این کار نوعی احترام به خانواده‌ی داماد محسوب می‌شود و این را می‌رساند که خانواده دختر این پسر را به عنوان داماد قبول دارند و نمی‌خواهند فقط به خاطر عوامل اقتصادی و مادی دختر را به پسر بدهند. در این شب، پدر یا سرپرست دختر توصیه‌هایی را به داماد می‌کند و روزی را برای عقد آنان پیشنهاد می‌کنند.

مرحله‌ی بعدی ازدواج، «نکاح کرون» است برای این منظور چند روز قبل از مراسم عقد، عروس همراه با چند نفر از زنان فامیلش و داماد به منظور خرید روانه بازار می‌شوند که این خرید شامل لباس و جواهراتی برای عروس می‌باشد. در این روز از طرف خانواده عروس حلقه‌ای و گاهی هدایای دیگر برای داماد خریداری می‌شود. همچنین خانواده داماد خلعتی‌هایی را که برای خانواده عروس در نظر گرفته شده خریداری می‌کنند. لازم به ذکر است که حتماً برای مادر عروس خلعتی می‌خرند و احیاناً اگر مادر بزرگی نیز داشته باشد خلعتی نیز به او تعلق می‌گیرد. از کارهای جانبی دیگر مرتبط با عقد دعوت از دوستان و اقوام هر دو طرف است و نیز تدارک وسایل پذیرایی روز عقد است که این وسایل از طرف خانواده‌ی داماد تهیه می‌شوند و آنها را به خانه عروس می‌فرستند. در کوهدشت معمولاً جشن روز عقد و عروسی را در روزهای فرد هفته (یکشنبه، سه‌شنبه، و پنجشنبه) و نیز جمعه می‌گیرند که در این میان روز سه‌شنبه بیشتر از

سایر روزهاست و در فصل تابستان هم بیشتر از سایر فصل‌ها صورت می‌گیرد.

مراسم عقد در خانه عروس برگزار می‌شود و همه مهمانان هم به آنجا می‌روند و در آنجا با شیرینی و میوه ... از آنان پذیرایی می‌شود. عاقد را هم به خانه‌ی عروس می‌برند و در آنجا خطبه عقد را می‌خوانند. عروس کنار سفره عقد، بله را نمی‌گوید تا موقعی که داماد و یا فامیل او هدیه‌ای را به عنوان زون گشونه (zongosuna) یعنی زبان گشودن به او بدهند و نیز موقعی که می‌خواهد روی سفره عقد بنشیند تا هدیه‌ای از طرف داماد یا فامیل او نگیرد روی سفره نمی‌نشیند. در مراسم روز عقد در منطقه کوهدشت وقتی عروس می‌خواهد بله بگوید نوزاد پسری را بر روی پایش می‌گذرانند به این نیت که فرزند اول عروس، پسر باشد.

در این روز مهمانان و خانواده عروس و داماد به رقص محلی و پایکوبی می‌پردازند. مطربان^۲ ساز و دهل می‌نوازند و مردان در دسته‌های منظم می‌رقصند در این رقص یک نفر به عنوان سردسته سرچوبی (sarcopi) دستمالی را در دست می‌گیرد و متناسب با آهنگی که نواخته می‌شود می‌رقصد و دستمال را می‌چرخاند و بقیه دسته منظم و هماهنگ با او می‌رقصند. در حین رقص و آواز، مهمانان و خانواده‌های عروس و داماد برای سلامتی جمع و یا کسانی که می‌رقصند و نیز به نیت سلامتی عروس و داماد پولی را تحت عنوان شواز (savaz) شواzone به مطربان (لوطیان) شاباش می‌دهند که این پول در واقع منبع درآمدی

۲. در اصطلاح محلی به آنها لوطی می‌گویند و به باور مردم لرستان،

اصل و ریشه آنان از کولی‌هاست و زبان آنان بسته به محلی که در آن زندگی می‌کنند ممکن است لکی یا لری باشد.

۱. به نرخ دهه‌ی ۱۳۸۰ شمسی محاسبه شده است.

است کم کنند و هر دو طرف با هم به بحث می پردازند تا بعد از گفتگوی طولانی به توافق برسند.

مبلغ و حدود شیربها و مهریه بسته به توان طرفین متفاوت است. قبلاً شیربها، مبلغ نقد، گوسفند و یا تفنگ بوده اما امروزه معمولاً در قالب کارت هدیه پرداخت می شود چنانچه دختر دارای موقعیت اجتماعی بالاتر و یا تحصیلات و ... باشد و یا چنانچه با غیرفامیل ازدواج کند مبلغ مهریه و شیربها بالاست. در این مجلس بزرگان نقش مهمی را ایفا می کنند. پس از دریافت نظرات هر دو طرف مبلغ و مقدار نهایی و مدتی که شیربها باید پرداخت شود را پیشنهاد می نمایند و آنرا به دو خانواده اعلام می دارند که در نتیجه هر دو خانواده ملزمند پیشنهاد بزرگان را بپذیرد. این مرحله یکی از مراحل حساس ازدواج است زیرا در صورت عدم توافق در مورد مهریه و شیربها ممکن است ازدواج صورت نگیرد و به هم بخورد. امروزه مبلغ شیربها را معمولاً صرف خرید اقلامی از جهیزیه می نمایند این پول مبلغ زیادی نیست و گاهی هم بعضی از خانواده ها از گرفتن آن خودداری می کنند.

در پایان مراسم که در آن مقدار و مبلغ شیربها و جهیزیه و ... قید شده است این صورت جلسه به امضای بزرگان حاضر در جلسه می رسد که معمولاً این صورت جلسه به عنوان سندی نزد پدر عروس می ماند البته این توضیح لازم است که درباره مراسم خرجابرون یا بله برون همیشه لازم نیست که با تشریفات مذکور همراه باشد یعنی ممکن است دو خانواده با موافقت هم مقدار مهریه و شیربها را تعیین نمایند. امروزه معمولاً دختر و پسر در طی دوران نامزدی با راهنمایی خانواده خود شیربها و وسایل

برای مطربان محسوب می شود. علاوه بر این در این روز زنان و دختران دور عروس حلقه می زنند و دست زنان، بیت ها و ترانه های محلی می خوانند.

در پایان این مراسم از طرف اقوام نزدیک یا دوستان هدایایی به عروس و داماد داده می شود. در گذشته و قبل از تأسیس دفاتر رسمی مراسم عقد به دو صورت انجام می گرفت یا در محل و بوسیله ی پیش نماز اگر در آن محل بوده دختر و پسر را پیش او بر می گرداند و ایشان صیغه عقد را جاری می ساخت یا اینکه اگر در محل پیش نماز نبود دختر و پسر به دو نفر معتمد و کالت می دادند و آنها را به شهرهای کرمانشاه، بروجرد یا خرم آباد می بردند و دختر و پسر را برای یکدیگر عقد می کردند و پس از عقد روز عروسی را تعیین می کردند (حیدری، ۱۳۸۰: ۱۹۳).

بله برون (خرجابرون)

روز خرجابرون روز تعیین شیربها و مهریه و چانه زدن سرکم یا زیاد کردن آن است. در این مراسم خانواده داماد همراه چند نفر از بزرگان و بستگان نزدیک و با اطلاع قبلی به خانه عروس می روند خانواده عروس از بزرگان و بستگان نزدیک خود دعوت می نمایند. هزینه ی این روز را معمولاً خانواده داماد می پردازد به این معنی که خانواده داماد مقداری میوه و شیرینی را به اندازه تعداد دعوت شدگان پیشاپیش به خانه عروس می فرستند. در منزل عروس بعد از صرف میوه و شیرینی از دو طرف معمولاً هر کدام یک نفر را به عنوان نماینده (که بزرگتر آنان است) بر می گزینند. تا درباره شیربها و مهریه صحبت کنند. ابتدا پدر و اقوام دختر مقدار شیربها و مهریه مورد نظر خود را پیشنهاد می کنند اما نماینده و طرف داماد سعی می کنند تا مبلغ و مقدار درخواستی اگر زیاد

مورد نیاز برای زندگی مشترک را تعیین می‌کنند و پیش از عروسی برای خرید آنها اقدام می‌نمایند.

حنابندان (حناونون)

حنابندان، شب قبل از عروسی در منزل عروس برگزار می‌شود. طی این مراسم ابتدا خانواده‌ی داماد برنج و روغن و... را به اندازه تعداد کسانی که به خانه عروس دعوت شده‌اند پیشاپیش به خانه عروس می‌برند سپس هنگام غروب چند نفر از زنان^۱ بزرگ خویشاوند از خانه داماد با چمدانی که حاوی مقداری حنا و رخت‌های عروسی است به خانه عروس می‌برند. قبلاً وظیفه این زنان آماده کردن عروس بود اما امروزه حضور آنان جنبه تشریفات دارد. پیش از این، دست و پای و سر عروس را حنا می‌نهادند و صبح زود عروس را در خانه شستشو می‌دادند و مقداری میخک و ملهو (Malhu) - که میوه درختان وحشی بنام درخت قلنگ و درخت ملهو هستند و درختانی معطر و خوشبویند - بر گردن عروس می‌اندازند و مقداری پول و نقره بر سرداری و کلنجه (Koalenja) عروس می‌دوختند و مهره‌های رنگی به دست و گردن عروس می‌آویختند و عروس را برای رفتن به خانه بخت آماده می‌کردند (حیدری، ۱۳۸۰: ۱۹۴).

در شب حنابندان بعد از صرف شام همراهان داماد (پابوی) بر کف دست عروس حنا می‌گذارند زیرا کوهدشتی‌ها اعتقاد دارند حنای شب حنابندان مراد می‌دهد. از این حنا دختران و زنانی که در آنجا هستند آنرا به نیت کاری خیر و به یمن و شگون آن بر کف دستان خویش می‌گذارند. قبلاً عروس را با همین حنا آرایش می‌کردند یعنی لب و گونه‌های

عروس و کف دست و پایش را نیز به حنا آراسته می‌کردند چشم‌های عروس را نیز سرمه می‌کشیدند.

از امور دیگر شب حنابندان این است که موقعی که می‌خواهند چمدان حاوی وسایل عروس را باز کنند پولی را به عنوان سرکیسونه (sarkisuna) به مادر عروس می‌دهند علاوه بر این هدیه‌ای دیگر نیز به او می‌دهند بعد از آن زنان همراه داماد وسایل و رخت‌های عروس را نیز به حاضرین در آنجا نشان می‌دهند در این شب مادر عروس هم جهیزیه‌ای را که برای عروس تدارک دیده است به زنان همراه داماد نشان می‌دهد تا همه جهیزیه‌ای را که به دخترشان داده اند ببینند البته زیاد و بیشتر بودن جهیزیه افتخاری است که در بیشتر مواقع نصیب دخترانی از موقعیت اجتماعی بالاتر دارای تحصیلات بالاتر و... می‌شود و نیز دخترانی که با غیرفامیل ازدواج می‌کنند زیرا که باعث می‌شود در آینده خانواده شوهر طعنه و کنایه‌ای به دختر نزنند و موجب سرشکستگی دختر نشود بعد از این کارها شکلات و شیرینی می‌خورند و زنان ترانه ها و بیت‌هایی را با هم می‌خوانند و نوازندگان (لوطی ها) و مطربان نیز ساز و دهل می‌نوازند و میهمانان و خانواده عروس شروع به رقص و بازی می‌کنند.^۲

یکی از کارهایی که زنان همراه داماد (پابوی) در شب حنابندان دوست دارند و آنرا انجام می‌دهند دستبرد زبانه هر چند ناچیز از وسایل و چیزهایی است که در خانه عروس وجود دارد این دستبرد باید از دید زنان و دختران فامیل پنهان بماند آنها این کار را دارای شگون می‌دانند و اعتقاد دارند که این وسیله

^۲. در زبان و گویش محلی به کسانی یا کسانی که ساز و ضرب می‌نوازند سازنه (Sazena) و به افرادی که رقص محلی و گروهی می‌کنند بازی‌هواز (Bazihwaz) و به سردهسته بازهوازن سرچوبی (Sar qopeye) می‌گویند (شادابی، ۱۳۷۷: ۹۳).

^۱. در اصطلاح محلی به این زنان پابوی Papovi می‌گویند.

معمولاً عمو یا دایی باید باشند به محض اینکه به خانه عروس می‌رسیدند فامیل عروس به آنان خیر مقدم و گاهی اوقات با صدای چند تیر هوایی که نشانه شادی است پاسخ داده می‌شد. طرف داماد مادیون مخصوص عروس را با خود همراه می‌آوردند و روی آن تلمیت (Talmyt) می‌بسته‌اند تا در خانه عروس می‌بردند و پدر داماد یا دایی یا عمو به خانه عروس می‌رفت و کمر او را می‌بست و معمولاً نان و پنیر و قند و نبات در داخل شال کمر عروس می‌گذاشتند و عروس را سوار بر مادیون می‌کردند (حیدری، ۱۳۸۰: ۱۹۵).

امروزه در روز عروسی جشنی در خانه داماد برگزار می‌گردد این جشن از صبح شروع می‌شود میهمانان نیز برای ناهار دعوت می‌شوند خانواده داماد از صبح خیلی زود وسایل پذیرایی و جشن را آماده می‌کنند. مطربان و نوازندگان را برای گرم کردن و شادی کردن مجلس به خانه داماد می‌آورند قبل از ظهر داماد و اطرافیانش و دسته‌ای از مطربان با آواز و ترانه و شادی‌کنان برای آوردن عروس به خانه داماد، رهسپار خانه‌ی پدر عروس می‌شوند.

عروس را پس از آراستن آماده حرکت می‌سازند لیکن قبل از آن برادر یا دایی یا عمو (یکی از محارم) شالی را که حاوی قند و نبات است به کمر عروس می‌بندند به نیت اینکه زندگی آتیه آنها شیرین شود و یا نان در شال می‌گذارند به این نیت که زندگی آنان پر از برکت و روزی باشد. پدر و مادر عروس هم با دختر خداحافظی می‌کنند و آرزوی زندگی خوب و دعای خیر بدرقه راهش می‌کنند. بعد همگی به همراه خویشاوندان عروس راهی خانه داماد می‌شوند موقعی که عروس وارد خانه داماد می‌شود معمولاً گوسفندی را جلوی پای آنان قربانی می‌کنند و از عروس و داماد

برای عروس خیر و برکت دارد خانواده عروس هم «دست‌خیر» قبلاً خود را برای این دستبرد آماده می‌سازند و برای این کار نیز هدیه‌ای را برای زنان همراه داماد به عنوان هرچند بسته‌های شکلات و.... باشد فراهم می‌کنند. لازم به ذکر است که این وسیله که توسط زنان پابوی دستبرد شده بعداً به عروس تحویل داده می‌شود. در این شب مادر عروس شام عروس را نیز برای فردای عروسی مهیا می‌کند البته آنرا همان روز عروسی آماده می‌کنند. این شام از روغن حیوانی، بلغور گندم برشته، مغز گردو، کشمش، مغز بادام و شکر و ادویه‌جات و ... به دست می‌آید که غذای مقوی برای عروس است. پس از انجام این امور بعضی از زنان همراه داماد به خانه خودشان می‌روند اما اکثر آنان شب را در خانه عروس می‌مانند و بدین‌گونه مراسم شب حنابندان به پایان می‌رسد.

عروسی (سور)

قبل از مراسم عروسی خانوار داماد به کمک اقوام و آشنایان وسایل و تدارکات مورد نیاز عروسی را فراهم می‌کنند که شامل: وسایل پذیرایی (هیزم و کپسول گاز، دیگ‌های بزرگ، برنج، روغن قند و چای، گوشت و...)، دعوت از اقوام و آشنایان طی برنامه ریزی قبلی، مهیا کردن یک مکان بزرگ و مناسب جهت پذیرایی از دعوت شدگان، خرید رخت عروسی و طلا و جواهرات برای عروس، آماده کردن اسباب لازم چون قالی و... قبلاً پدر عروس، پدر داماد و تمام آشنایان را برای عروسی دعوت می‌کرد و همه سوار بر اسب‌ها و مادیون‌های خود، آنهایی که تفنگ داشتند با تفنگ حرکت می‌کردند و با تیراندازی و شادی‌کنان ولی آرام به خانه پدر عروس می‌رفتند معمولاً پدر داماد همراه سواران می‌رفت و اگر پدر نمی‌رفت

می‌خواهند که از روی خون قربانی عبور کنند. عروس و داماد پولی را روی قربانی می‌اندازند و وارد حجله (منزل داماد) می‌شوند. هنگامی که عروس وارد حجله می‌شود تا هدیه‌ای را از داماد و یا پدر او نگیرد نمی‌نشیند. بعد از آن یکی از طرف داماد - معمولاً برادر یا عمویش - شال کمر عروس را باز می‌کند. بعد از آن که عروس را آوردند به میهمانان ناهاری می‌دهند که معمولاً برنج و گوشت را روی سینی و تشت می‌گذارند و به میهمانان می‌دهند. قبلاً روز عروسی موقعی که میهمانان برای صرف ناهار می‌نشستند با آفتابه یا جام مسی از آب به میان مجلس و میهمانان می‌رفتند تا دست‌هایشان را بشویند و ابتدا از بزرگان مجلس شروع می‌کردند و بعد بقیه. پس از صرف ناهار میهمانان پولی را به عنوان سورانه (surana) به داماد می‌دهند. در واقع این پول کمکی برای مخارجی است که داماد متحمل شده است. در پایان مراسم میهمانان به عروس و داماد تبریک می‌گویند و کم‌کم به خانه خود می‌روند.

از دیگر رسوم روز عروسی بردن شام عروس به خانه داماد می‌باشد این شام یا همراه با رفتن عروس توسط زنان پابوی برده می‌شود یا بعد از رفتن عروس توسط نوجوانان یا زنی از نزدیکان عروس. در هر صورت این شام باید تا قبل از غروب آفتاب به خانه عروس برده شود. از جمله رسوم دیگر مرتبط با عروسی این است که خانواده عروس یک روز بعد از عروسی با مقدار شیرینی یا غذا یا میوه به خانه داماد می‌روند و جویای احوال عروس و داماد می‌شوند.

یکی دیگر از رسومی که در بعضی نقاط کوهدشت وجود دارد این است که سه روز پس از عروسی، زنان نوعروس را به سرچشمه یا کنار آبی می‌برند و از روی خون قربانی عبور کنند. عروس و داماد پولی را روی قربانی می‌اندازند و وارد حجله (منزل داماد) می‌شوند. هنگامی که عروس وارد حجله می‌شود تا هدیه‌ای را از داماد و یا پدر او نگیرد نمی‌نشیند. بعد از آن یکی از طرف داماد - معمولاً برادر یا عمویش - شال کمر عروس را باز می‌کند. بعد از آن که عروس را آوردند به میهمانان ناهاری می‌دهند که معمولاً برنج و گوشت را روی سینی و تشت می‌گذارند و به میهمانان می‌دهند. قبلاً روز عروسی موقعی که میهمانان برای صرف ناهار می‌نشستند با آفتابه یا جام مسی از آب به میان مجلس و میهمانان می‌رفتند تا دست‌هایشان را بشویند و ابتدا از بزرگان مجلس شروع می‌کردند و بعد بقیه. پس از صرف ناهار میهمانان پولی را به عنوان سورانه (surana) به داماد می‌دهند. در واقع این پول کمکی برای مخارجی است که داماد متحمل شده است. در پایان مراسم میهمانان به عروس و داماد تبریک می‌گویند و کم‌کم به خانه خود می‌روند.

باوان بوی

در گویش محلی مردمان کوهدشت، باوان یعنی خانواده پدری و بوی یعنی عروس. باوان بوی یعنی بردن عروس به خانه پدر. چند روز پس از عروسی (معمولاً پنج روز) مادر عروس همراه با چند زن از اقوام نزدیک با بردن شیرینی به منزل جدید دختر خود می‌روند. پس از صرف ناهار عروس را که چادر سفید بر سر دارد به خانه پدر می‌آورند عروس سه الی پنج روزی را در خانه پدر می‌گذرانند بعد از آن پدر عروس هدیه‌ای مناسب در شأن دخترش تدارک می‌بیند که در اصطلاح محلی به آن باوونی می‌گویند بعد از آن به خانه داماد می‌آید.

بعد از اتمام این رسم اقوام و آشنایان، عروس و داماد را به خانه خویش دعوت می‌نمایند و به اصطلاح، آنان را پاگشا می‌کنند و هدیه‌ای نیز به آنان می‌دهند. به این ترتیب عروس و داماد زندگی جدید خود را شروع می‌کنند.

نتیجه‌گیری

مطالعه‌ی بازاندیشانه‌ی آیین ازدواج و مراحل آن در ایلات و طوایف کوهدشت، محور اصلی نوشتار حاضر است.

در ایلات و طوایف کوهدشت، ازدواج و انتخاب همسر معمولاً علاوه بر علاقه دو نفر به هم و

تشکیل زندگی به انگیزه‌های دیگری نیز می‌باشد که بر اساس پیوندهای طایفه‌ای یا رفع کدورت‌ها و کینه‌ها و ایجاد قرابت‌ها و همخونی‌ها و گاه پیوند با مال و مکنت با اتحاد با خانواده‌ای دیگر در جهت گسترش نفوذ و گاه نیز برای نگاه داشتن «اجاق خانواده»^۱ و... صورت می‌گیرد. در مراسم عروسی کسانی که برای شرکت در این مراسم می‌آیند پولی را به عنوان سورانه و به عنوان کمکی به خانواده داماد می‌دهند در اینجاست که این مراسم و سنت و روش‌ها به عنوان یکی از بهترین نمونه‌های همبستگی در می‌آیند.

از آنجا که علاوه بر اشتراکات فراهنگی در سطح ملی، هر منطقه‌ای و یا هر گروه قومی دارای تعدادی از آداب، رسوم و آیین‌های خاص فرهنگی است؛ لذا اجرا و پایبندی به آن رسوم به عنوان یک منبع فرهنگی و یکی از شیوه‌های در دسترس، موجب تمایز آنان از سایر اقوام و مناطق می‌شود و این موضوع در برساختن و بیان هویت‌های فرهنگی، تعلقات هویتی محلی، تسهیل هویت‌یابی فرد با گروه خودی و جای‌گیری نسل‌های جدید نقش مهمی ایفا نموده و هم‌چون پلی به شکلی نمادین آنان را به هم مرتبط سازد. در فرایند و اجرای مراسم عروسی در ایلات و طوایف کوهدشت روح همکاری و تعاون مردم قابل توجه می‌باشد. به‌طوری که می‌توان آن را به سه مرحله تقسیم کرد:

(۱) مرحله‌ی خواستگاری و انتخاب

(۲) مرحله‌ی عقد و فراهم‌سازی مقدمات ازدواج

(۳) مرحله‌ی ازدواج و کمک‌های بعدی. در این راستا می‌توان گفت که شرکت و همکاری در انجام آیین

سوگ یکی از شیوه‌های مهم تداوم ارتباطات و تعاملات اهالی به شمار می‌رود که با ارسال پیام‌های قابل فهمی، آنان و نسل‌های مختلف را به هم پیوند می‌دهد. بدین ترتیب رابطه‌ی تنگاتنگی بین پایبندی و حضور در رسوم مذکور با حفظ و تداوم ارتباطات و به‌طور کلی با نگهداشت و قوام فرهنگ محلی و دلبستگی به آن وجود دارد. بنابراین اگر بپذیریم که سهم عمده‌ای از هویت‌یابی فرد توسط قدرت نمادها و تجربیات آیینی صورت می‌گیرد؛ همیاری و همکاری در آیین‌های مربوط به سوگ یکی از شیوه‌های عملی است که افراد با کمک‌های خود دست‌کم به شکلی نمادین، احساس تعلق اجتماعی و مکانی خود را به فرهنگ محلی و زادگاهی نشان می‌دهند.

احساس شادی و نشاط (به عنوان یکی از پارامترهای توسعه اجتماعی) یکی از ضروری‌ترین خواسته‌های فطری و نیازهای روانی انسان به‌شمار می‌رود و تأثیرات عمده بر سالم‌سازی بهسازی جامعه دارد. احساس شادی از یک‌سو انسان‌ها را برای زندگی بهتر و بازدهی بیشتر آماده می‌کند و از سوی دیگر به دلیل ویژگی مسری‌بودن آن، بستگی‌های فرد را با محیط گسترده می‌کند. از این رو مادامی که مردم احساس شادی کنند، همواره در خدمت به شهر و افراد جامعه اهتمام بیشتری می‌ورزند (ربانی، ۱۳۸۶). ازدواج از عواملی است که باعث نشاط و شادی در زندگی فردی و اجتماعی انسان می‌شود. آیین عروسی و مقدمات آن رقص و پایکوبی و شادمانی همگانی در جشن و سرور دو جوان نویدبخش تداوم هستی و زندگی است. از طرفی دیگر، باتوجه با این نکته که افکار و اعتقادات دینی و مذهبی نیز بر آداب و رسوم ازدواج در ایلات و طوایف کوهدشت تأثیرگذار می

^۱. منظور از این اصطلاح، به دنیا آوردن فرزند پسر است که اجاق خانواده را نگه می‌دارد.

باشند، می‌توان گفت که دین و مذهب به واسطه کارکردهای متعددی که دارند بر شادی افراد موثر واقع می‌شوند.

در جایی که ریا، تزویر، حيله و نفاق در روابط اجتماعی به صورت مسلم وجود دارد، اعتماد اجتماعی جایگاهی نخواهد داشت و افراد جامعه به جای جمع گرایی و اشتراک مساعی و مشارکت دنبال فردگرایی خودخواهانه خواهند بود. «در چنین شرایطی میزان تعمیم‌پذیری اعتماد اجتماعی متقابل دچار افت قابل ملاحظه‌ای می‌شود. به طوری که کنشگران اجتماعی در پهنه‌ی تعاملات اجتماعی احساس امنیت نمی‌کنند» (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۳۲). بدین ترتیب می‌توان گفت افراد با انجام یاری‌گری‌ها و همکاری‌های مرتبط با رسم و آیین عروسی، خود را به مجموعه‌ای از افراد دیگر پیوند زده و شبکه‌ی روابط خویش را تقویت می‌کنند که به شیوه‌ی غیرمستقیم موجب شکل‌گیری شبکه‌ای از هنجارها شود که مبتنی بر مشارکت و اعتماد متقابل بوده و پشتیبانی متقابل اعضا از همدیگر را نیز به دنبال دارد و درواقع، شکل‌گیری و تقویت سرمایه‌ی اجتماعی درون‌گروهی از پیامدهای آن است.

برپایی مراسم ازدواج در هر منطقه‌ای با آداب و رسوم خاص، نشان‌دهنده افکار، خواسته‌ها و سنت‌های مردم آن ناحیه است. در واقع، مراسم ازدواج در کوهدشت به معنای ایجاد فضایی برای همکاری، تعاون و همدلی بین افراد منطقه است. ضمن آنکه فضای شاد و مفرح مراسم عروسی و برگزاری مراسم نقش مهمی در ایجاد سرور، فراغت و انبساط خاطر مردم ایفا می‌کند.

توجه به مراسم و آداب و رسوم اقوام ایرانی از سوی رسانه‌ها یا از سوی دیگر اقوام، سبب می‌شود که

اقوام و خرده‌فرهنگ‌ها، احساس تعلق بیشتری نسبت به فرهنگ عمومی بنمایند. زیرا وقتی از سوی متولیان فرهنگ کشور به عناصر فرهنگی خاص ایشان، توجه می‌شود احساس همگرایی ملی در آنها تقویت می‌گردد و اقوام مورد نظر نسبت به شاخصه‌های فرهنگ عمومی با دید مثبت‌تری می‌نگرند.

منابع

۱. ابواللمعالی الحسینی، نسرين (۱۳۸۷)، شکل‌گیری ازدواج در شاهنامه فردوسی، فصلنامه فرهنگ مردم ایران، شمار ۱۳، ۸۹-۵۸.
۲. ازکیا، مصطفی و فیروزآبادی، سیداحمد (۱۳۸۳)، سرمایه اجتماعی و نقش آن در تشکلهای تولیدی؛ مطالعه موردی حوزه آبریز کرخه، مجله جامعه‌شناسی ایران، ۵ (۴).
۳. امان‌اللهی بهاروند، سکندر (۱۳۷۴)، قوم لر، تهران: آگاه.
۴. ایزدپناه، حمید (۱۳۷۶)، فرهنگ لکی، رشت: انتشارات گیلان.
۵. پاتنام، روبرت (۱۳۸۰)، دموکراسی و سنت‌های مدنی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام.
۶. پیراهری، نیر (۱۳۸۷)، بررسی آداب و رسوم ازدواج تر نظر شهروندان تهرانی، فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۳، ۱۹۲-۱۷۹.
۷. چلبی، مسعود (۱۳۷۵)، جامعه‌شناسی نظم: نشر نی.
۸. چنگایی، عزت‌اله و محمد حنیفا (۱۳۷۴)، فرهنگ قوم لر، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
۹. حمید، محمد (۱۳۸۶)، بررسی آداب و رسوم ازدواج در قبایل عرب رامشیر، پایان‌نامه

کارشناسی، دانشکده اقتصادی و علوم اجتماعی
دانشگاه شهید چمران اهواز.

۱۰. حنیف، محمد (۱۳۸۶)، آوهای کار اقوام و
همبستگی ملی، فرهنگ مردم ایران، شماره ۱۱،
۴۹-۳۷.

۱۱. حیدری، حجت‌اله (۱۳۸۰)، جغرافیای تاریخ
الشتر و ریشه نژادی لر، خرم‌آباد: افلاک.
۱۲. خدابخشی، حاجی‌رضا (۱۳۷۱)، عشایر لرستان،
قم: دارالنشر.

۱۳. ربانی، رسول (۱۳۸۶)، فرهنگ و شادی:
رویکردی نظری و تجربی در زندگی روزمره
سرپرستان خانوار در شهرستان اصفهان، فصلنامه
مطالعات فرهنگی و ارتباطات، ۷۶-۴۱.

۱۴. روح‌الامینی، محمود (۱۳۸۴)، زمینه
فرهنگ‌شناسی، تهران: عطار.

۱۵. ساروخانی، باقر (۱۳۸۵)، مقدمه‌ای بر
جامعه‌شناسی خانواده، تهران: سروش.

۱۶. سینایی، وحید و ابراهیم‌آبادی، غلامرضا (۱۳۸۴)،
کثرت‌گرایی فرهنگی در عصر جهانی‌شدن و
تحول فرهنگی نخبگان در ایران، نامه علوم
اجتماعی، شماره ۲۵، ۱۳۹-۱۰۷.

۱۷. شادابی، سعید و انجوی شیرازی، سید ابوالقاسم
(۱۳۷۷)، فرهنگ مردم لرستان، خرم‌آباد: افلاک.

۱۸. کوزر، لوئیس و روزنبرگ، برنارد (۱۳۸۷)،
نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ
ارشاد، تهران: نی.

۱۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳)، جامعه‌شناسی، ترجمه
منوچهر صبوری، تهران: نی.

۲۰. مرکز آمار ایران، سالنامه آماری استان لرستان
۱۴۰۰.



A Reevaluation of Marriage Customs among the Tribes and Clans of Kuhdasht

Rahman Bagheri ^{1*}, Maryam Bagheri Fard ²

^{1*} Assistant Professor of Sociology, Department of Social Sciences, Payame Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author), r.ba94@pnu.ac.ir

² M.A. in Psychology and Staff Member, Faculty of Medical Sciences, Shoushtar, bagheri_m@shoushtarums.ac.ir

Article Info	Abstract
Received: 2025/04/24	Marriage is an ancient social tradition practiced since the dawn of human social life. This study offers a re-evaluation (or critical examination) of marriage customs and their associated stages among the tribes and clans of Kuhdasht. Employing a field-research methodology, this study utilizes techniques such as interviews, participant observation, and archival analysis. Weddings within the tribes of Kuhdasht represent a complex tapestry of tradition, customary law, and ancestral tribal norms, interwoven with enduring religious and ideological insights. A notable feature of these ceremonies is the spirit of cooperation, mutual aid, and communal support among the people. While this participation has undergone transformations influenced by broader social changes, it remains persistent and functional. Accordingly, various forms of physical, consultative, and financial support are observed throughout the different stages of the wedding. Given that a significant portion of an individual's identity formation within a group is achieved through the power of symbols and ritual experiences, it can be concluded that by engaging in these practices, individuals demonstrate their sense of belonging to their local, ethnic, and tribal culture. This communal participation, as a quintessential manifestation of social solidarity, fosters the development and strengthening of intra-group social capital. Furthermore, it serves as a culture-building resource that plays a vital role in constructing cultural identity, integrating younger generations, and bridging the gaps between them. Finally, the joyful atmosphere of these wedding ceremonies significantly contributes to communal happiness and leisure, which are essential parameters of social development.
Accepted: 2025/07/19	
Keywords Marriage Customs Custom Tribes and Clans Sense of Solidarity Cooperation	

Citation(APA): Bagheri, Rahman, Bagheri Fard, Maryam(2025), A Re-evaluation of Marriage Customs among the Tribes and Clans of Kuhdasht, *Tribes and Nomads Studies*, 14(2), pp 8-27.